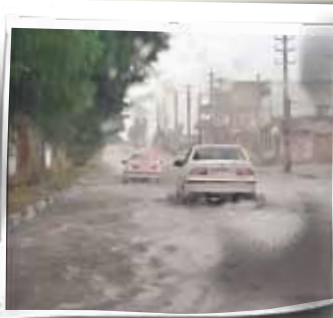


مشمولان طرح حمایتی ۱۱قلم کالا را می توانند از ۱۲ هزار فروشگاه مشخص با قیمت مصوب و تخفیف حداقل ۲۰ درصد خریداری کنند

تخفیف هم به طرح کالا بزرگ اضافه شد

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۴ | ۲۵ جمادی الاول ۱۴۴۷ | ۱۶ نوامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۸۸ | صفحه ۱۰ | هزار تومان

تیتتر های امر وز



۱۳ استان کشور نخستین بارش پاییزی را تجربه کردند؛ بارش ها تا ۲۷ آبان ادامه دارد

باران امید

■ اردکانی، پدر علم هواشناسی ایران در گفت‌وگو با «وطن امروز»: زمستان و بهار نسبتاً پربارانی خواهیم داشت

صفحه ۴

چگونه میراث طهرانی مقدم و حاجی زاده نتیجه جنگ را تغییر داد؟

سرداران بازدارندگی

صفحه ۲

تهران، بیروت و بغداد در برابر سناریوی آمریکایی - صهیونیستی در دمشق

جولانی با بوی ترامپ

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از لزوم سرمایه گذاری در صنعت آبروی و توسعه آن

شیلات، بازوی توسعه دریامحور

صفحه ۵

تأیید توقیف نفتکش تالارا توسط نیروی دریایی سپاه

گزارش

به فاصله کمتر از یک روز از انتشار گزارشی گسترده رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توقیف نفتکش «تالارا» را به طور رسمی تأیید کرد. در اطلاعیه سپاه آمده است:
زرمندگان یگان‌های واکنش سریع این نیرو ساعت ۷:۳۰ صبح جمعه، به استنداد دستور مقام قضایی، نفتکشی با نام تجاری Talara را برچم جزایر مارشال را که حامل ۳۰ هزار تن محصولات پتروشیمی و عازم سنگاپور بود، رهگیری، توقیف و به لنگرگاه هدایت کردند. سپاه تأکید کرد پس از بازرسی کامل محموله، اسناد و مدارک کشتی، تخلف بارز در حمل بار غیر مجاز محرز شد. این ایران و با حکم قضایی انجام گرفته است. پیش از این تأیید رسمی، خبرگزاری رویترز با استناد به داده‌های ردیابی کشتی ادعا کرده بود ۳۰ قایق تندرو ایرانی در خلیج عمان نزدیک سواحل امارات نفتکش تالارا را محاصره و آن را مجبور به تغییر مسیر به سمت آب‌های ایران کردند.
آشوشیدپرس نیز به نقل از یک مقام اطلاعاتی آمریکایی فاش کرد پیهاد پیشرفته CMQ-4 Triton نیروی دریایی ایالات متحده کل ماجرا را به صورت زنده رصد می‌کرد اما دخالت نکرد. به عبارت دقیق‌تر، امریکایی‌ها قادر به دخالت نبودند. بلومبرگ می‌توفیف را پس از عبور کشتی از تنگه هرمز دانست و آن را احتمالاً پاسخی به تحریم‌های تازه آمریکا از رویا علیه صادرات نفت و پتروشیمی ایران توصیف کرد. این رسانه آمریکایی مدعی شد محموله در واقع گازوئیل با گوگرد بالا بوده و مالکانه حقوقی کشتی متعلق به شرکت پاشافانیانس قبرس، مدیریت آن با یک شرکت کلمبیایی و پرچم آن جزایر مارشال است. شبکه سی‌بی‌سی‌ان نیز نیز این حادثه را نخستین توقیف گزارش شده یک کشتی تجاری توسط ایران در ماه‌های اخیر عنوان کرد. در مقابل این روایت یکبارچه غرب، فارس روز گذشته پس از اطلاعیه نیروی دریایی سپاه، به نقل از منابع آگاه تأکید کرد ماجرا هیچ ربطی به اقدام تقابلی با طرف‌های خارجی ندارد و صرفاً یک عملیات داخلی - امنیتی داخلی برای جلوگیری از خروج غیرقانونی اموال ملت ایران بوده است. به گفته این منابع، ۳۰ هزار تن محصولات پتروشیمی داخل کشتی متعلق به ایران بوده و فرد یا شرکت ایرانی متخلف با سوءاستفاده از شرکت صوری خارجی و پرچم جزایر مارشال، قصد داشته این محموله را به صورت غیرقانونی به سنگاپور منتقل کند؛ بنابراین نیروی دریایی سپاه تنها نقش ضابط قضایی را ایفا کرده و هدف اقدام هم بازگرداندن اموال کشور است. در نهایت ۲ روایت متفاوت از یکدیگر پیش روی ماست: اول توقیف یک کشتی خارجی در آب‌های بین‌المللی به تلافی تحریم‌ها که رسانه‌های غرب از دیروز مدعی‌اش هستند و دیگری یک عملیات قضایی داخلی علیه قاچاقچیان ایرانی که از پوشش شرکت‌ها و پرچم‌های خارجی سوءاستفاده کرده‌اند.

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

صفحه ۳

۱۹۱ سال و ۷۶ روز گذشت |

دعوت پپ برای بازی منتخب کاتالونیا و فلسطین و گرامیداشت ۴۰۰ ورزشکار شهید

گوار دیولا صدای غزه

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4464 | SUN.NOV.16, 2025 | ISSN:2008-2886

تبعات حقوقی

اعتراف ترامپ



اصل «تمامیت ارضی» و «حق حاکمیت کشورها» از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است. هر گونه تعرض به این حق، به منزله نقض آشکار قوانین بین‌المللی و تجاوز به استقلال سیاسی یک کشور محسوب می‌شود. کشوری که چنین اقدامی انجام دهد، از منظر حقوقی مجرم شناخته می‌شود و جامعه جهانی وظیفه دارد در برابر آن واکنش نشان دهد. در پی اعتراف صریح رئیس‌جمهور ایالات متحده به مدیریت جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و پذیرش مسؤولیت آن، جمهوری اسلامی ایران باید از ظرفیت‌های حقوقی خود برای پیگیری این مساله در مراجع بین‌المللی استفاده کند. اگر ایران به صورت رسمی شکایتی را تنظیم و ارائه کند، دادگاه‌های بین‌المللی موظفند پرونده را بررسی و پیگیری کنند. این موضوع نه‌تنها برای دفاع از حقوق ایران، بلکه برای حفظ اعتبار قواعد حقوق بین‌الملل نیز اهمیت دارد.

ترامپ بدون توجه به پیامدهای سخنان خود و از روی غرور و بی‌پروایی همیشگی‌اش، چنین اعترافی را بیان کرد، او می‌خواست با این اظهارات، رژیم صهیونیستی را از نگرانی بابت واکنش ایران بیرون آورد و با دادن نوعی اطمینان خاطر، از ترس تل‌آویو نسبت به پاسخ احتمالی تهران بکاهد. در واقع هدفش این بود رژیم را از اضطراب حمله متقابل ایران نجات دهد اما این اظهارات نسنجیده، اکنون برای او و آمریکا به سندی رسمی تبدیل شده که می‌تواند پایه اقدام حقوقی علیه وی و دولت آمریکا باشد.

ترامپ هرگز تصور نمی‌کرد کلماتی که بر زبان می‌راند، به صورت رسمی به عنوان «اعتراف به مشارکت در تجاوز نظامی» ثبت شود. او بدون هیچ ملاحظه‌ای، سخنی را گفت که اکنون مصداق مشارکت مستقیم در عملیات نظامی علیه ایران است. بر اساس قوانین بین‌الملل، چنین اقدامی، مصداق نقض صلح و امنیت بین‌المللی است و فرد یا دولتی که مرتکب آن شده، باید پاسخگو باشد. بنابراین ایران متحده باید خسارات وارده به ایران را جبران و غرامت پرداخت کند.

از سوی دیگر بی‌تردید اعتراف ترامپ بر افکار عمومی دنیا تأثیر گذار است. این اعتراف، چهره واقعی آمریکا را بیش از گذشته در برابر افکار عمومی جهان آشکار می‌کند. اکنون ملت‌ها به روشنی درمی‌یابند ایالات متحده در جنایات رژیم صهیونیستی شریک است و بدون حمایت آمریکا، اسرائیل قادر به انجام چنین اقدامات نظامی‌ای نیست.

در واقع، افکار عمومی جهان پیش‌تر نیز به این واقعیت رسیده بود که هر اقدامی از سوی اسرائیل، با پشتیبانی مستقیم آمریکا انجام می‌شود اما اعتراف ترامپ، این موضوع را به شکل رسمی و غیر قابل انکاری مطرح و تأیید کرد. این اظهارات، سندی است بر اینکه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، لبنان و اکنون در حمله به ایران، بدون موافقت و هدایت واشنگتن انجام نمی‌شود.

در نتیجه، این سخنان پررنگ جدیدی به فهرست بلند جنایات ایالات متحده در منطقه می‌افزاید. افکار عمومی جهان‌بان امروز آمریکا را نه‌تنها حامی، بلکه شریک جرم اسرائیل می‌داند. این شناخت، بتدریج به شکل اعتقادی ریشه‌دار در میان ملت‌ها درمی‌آید و جایگاه آمریکا را در وجدان عمومی بشر بیش از گذشته متزلزل می‌کند.

نظام بین‌الملل و کشورهای مختلف دنیا مشاهدۀ کردند ایران در حالی هدف تجاوز قرار گرفت که در حال گفت‌وگو و مذاکره با آمریکا بود. تنها چند ساعت پیش از حمله، مقامات آمریکا در پیغامهایی تأکید کردند مذاکرات با ایران روند خوبی دارد اما در همان زمان، در حال آمادگی برای حمله نظامی بودند. این دوگانگی رفتاری، فریبکاری ذاتی سیاستمداران آمریکایی را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد مذاکره برای آنان ابزاری تاکتیکی است، نه روشی صادقانه برای حل اختلافات. موضوع دیگر آنکه این موضوع جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در افکار عمومی جهان تقویت می‌کند، زیرا این اعتراف یادآور می‌شود ایران در حالی که دیپلماسی را پذیرفته و مسیر گفت‌وگو را دنبال می‌کرد، هدف تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این موضوع باعث می‌شود هم در میان نخبگان سیاسی جهان و هم در سطح ملت‌ها، نگاه همدلانه‌تر و منصفانه‌تری نسبت به ایران شکل بگیرد. به عبارت دیگر، رفتار آمریکا در این ماجرا و حالا اذعان صریح و وقیح ترامپ به کنترل جنگ، عمق بی‌اعتمادی به واشنگتن را در سطح داخلی و جهانی افزایش خواهد داد. ملت‌ها درمی‌یابند حتی مذاکره با آمریکا، مانع تجاوز آن کشور نمی‌شود. از طرف دیگر حمایت سیاسی چین و روسیه از ایران نیز افزایش خواهد یافت. این موضوع البته صرفاً به دلیل دوستی پکن و مسکو با تهران نیست، بلکه رقابت ژئوپلیتیک آنها با ایالات متحده بسیار موثرتر است. هیچ‌یک از این ۲ کشور علاقه‌مند نیستند آمریکا در هیچ عرصه‌ای از درگیری‌ها، از جمله در غرب آسیا، دست بالا را پیدا کند.

ادامه در صفحه ۷



گفت‌وگو با زهرا حسینی، نویسنده کتاب «تب ناتمام» که تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب بزودی منتشر می‌شود

امتداد ابدی صبر

صفحه ۸

رویارویی ایران و آمریکا نه نزاع منافع، بلکه تضاد ۲ نحوه هستی است؛ یکی در طلب سلطه، دیگری در جست‌وجوی معنا

هستی مؤمن در برابر سلطه

ایران از استقلال و عدالت می‌گوید، برای غرب نوعی بازگشت از تجاعی تلقی می‌شود. با این حال، این تضاد به معنای تقابل صرف یا نفی متقابل نیست، بلکه می‌توان گفت هر دو در میدان واحدی از تاریخ قرار گرفته‌اند که آن را هایدگر «تاریخ بودن» می‌نامد. در این میدان، انقلاب اسلامی نه به نوعی بازبانی جهان ظاهر شده است، این گسست همان امکانی که غرب گمان می‌کرد برای همیشه نابود شده است. ایران در این معنا، تنها کشوری نیست که در برابر آمریکا ایستاده است، بلکه نمادی است از امکان گسست از جهان‌نگری غرب. از این رو تضاد میان ایران و آمریکا نه فقط تضاد ۲ دولت، بلکه تقابل ۲ افق از هستی است: یکی مبتنی بر تصرف و دیگری بر حضور؛ یکی بر محاسبه و دیگری بر معنا؛ یکی بر انباشت قدرت و دیگری بر قرب الهی. چنین تقابلی را نمی‌توان با مذاکره یا معامله حل کرد، زیرا ریشه در نحوه وجود دارد، نه در سطح سیاست روز. همین امر سبب شده هر بار که ایران در برابر فشارهای آمریکا ایستادگی می‌کند، واکنش غرب نه‌تنها سیاسی، بلکه عصبی و هستی‌شناختی باشد. آمریکا از شکست در برابر ایران نه به خاطر از دست دادن منافع، بلکه به سبب فروپاشی یک تصویر از جهان می‌ترسد. در منطق او، هر چیزی باید قابل پیش‌بینی، کنترل و تنظیم باشد اما انقلاب اسلامی به مثابه پدیده‌ای زنده، این نظم را بر هم زد. این پدیده نشان داده هنوز می‌توان جهانی غیر از جهان آمریکایی را تصور کرد و در آن زیست.

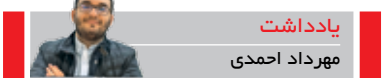
تضاد ایران و آمریکا در حقیقت تضاد میان ۲ تلقی از انسان است. محاسبه‌گر آمریکایی همان سوژه مدرن است؛ خودبنیاد، مناسبات‌گر و منفصل از معنا. در برابر، انسان انقلابی ایرانی، انسانی است که وجود خود را در نسبت با خدا و تاریخ و امت می‌فهمد. برای اولی، آزادی در گسست از هر تعهد و پیوندی است و برای دومی، آزادی در پیوند با حقیقت. از این رو هر گفت‌وگویی میان این دو تنها در سطح زبان ممکن است، نه در سطح معنا. آنچه آمریکا از آزادی، دموکراسی یا پیشرفت می‌فهمد، برای ایران اسلامی چیزی جز بندگی تکنولوژیک نیست و آنچه

همان منطق قدرت شکل گرفت.

انقلاب اسلامی، بر خلاف همه انقلاب‌های مدرن، نه برای تصرف قدرت، بلکه برای نفی نوع خاصی از قدرت بود؛ قدرتی که ماهیتاً با توحید ناسازگار است. انقلاب ایران در لحظه‌ای تاریخی به وقوع پیوست که جهان دوقطبی شرق و غرب هر دو در منطق تکنولوژیک مشترک بودند. هر دو سوژه‌هایی بودند که اراده خود را بر جهان می‌افکندند؛ یکی با زبان سرمایه و دیگری با زبان ایدئولوژی. در چنین فضایی، ظهور انقلابی که انسان را نه سوژه محاسبه‌گر، بلکه موجودی در نسبت با امر الهی می‌دید، برای جهان مدرن قابل فهم نبود. به همین دلیل آمریکا از همان آغاز، مسأله خود با ایران را نه سیاسی، بلکه هستی‌شناختی تجربه کرد؛ یعنی مسالهای مربوط به «بودن» خود. از منظر آمریکا، انقلاب اسلامی نوعی اختلال در نظم طبیعی جهان بود. جهانی که بر مدار قدرت و سود می‌چرخید، ناگهان با زبانی مواجه شد که از «حق»، «شهادت»، «مقاومت» و «معنویت» سخن می‌گفت؛ مفاهیمی که برای نظام معنایی غرب، بیگانه و حتی خطرناک بود. از این رو برخورد آمریکا با ایران را نمی‌توان صرفاً در قالب تعارض منافع یا اختلافات سیاسی توضیح داد.

در پس این دشمنی، اضطراب عمیق‌تری نهفته است؛ اضطراب تمدنی از مواجهه با امری که از منطق قدرت بیرون است و با این حال در جهان حضور دارد. ایران برای آمریکا مسالهای حل‌ناشدنی است، زیرا وجود انقلاب اسلامی خود نفی زنده منطق تمدن غرب است. هر اندازه آمریکا تلاش کند این وجود را به انقیاد کشد، باز با حقیقتی مواجه می‌شود که در منطق سلطه نمی‌گنجد. از همین جهت است که سیاست آمریکا در برابر ایران، همواره میان ۲ قطب حذف و جذب در نوسان بوده است: گاه می‌خواهد ایران را به کلی نابود کند و گاه می‌کوشد آن را در نظم جهانی خود هضم کند. البته هر دو راه شکست خورده‌اند، چون در هر دو فرض، وجود انقلاب اسلامی به مثابه نحوی از بودن مستقل باقی می‌ماند.

از سویی دیگر، برای فهم عمق این تضاد باید به لایه تاریخی‌تری از مساله نگریست. در طول ۲ قرن گذشته، غرب همواره در پی جهانی‌سازی خود بوده



ایالات متحده آمریکا را باید نه صرفاً به عنوان یک قدرت سیاسی یا اقتصادی، بلکه به مثابه تجسد تاریخی نوعی خودآگاهی خاص در تمدن غرب فهم کرد. آمریکا مرحله نهایی تکوین چیزی است که فیلسوفان مدرن از دکارت تا نیچه و هایدگر از آن با عنوان «سوژه» یاد کرده‌اند؛ سوژه‌ای که جهان را نه به مثابه ساحتی از معنا، بلکه به مثابه مجموعه‌ای از اگره‌ها برای تصرف، تنظیم و کنترل درک می‌کند. اگر در قرون وسطی انسان خود را در نسبت با امر الهی می‌فهمید، در دوران مدرن به نقطه‌ای رسید که خود را معیار همه چیز قرار داد. از این منظر، آمریکا نه صرفاً کشوری پس از اروپا، بلکه تحقق تاریخی همان «من اراده‌گر» غربی است که اکنون بر تمام جهان سایه افکنده است. در این معنا، آمریکا محصول طبیعی تاریخ مدرنیته است؛ مرحله‌ای که در آن عقل ابزاری و تکنولوژیک، جای هر گونه نسبت معنوی با هستی را گرفته است. از لحظه‌ای که سوژه مدرن تصمیم گرفت جهان را «محاسبه» کند، سلطه و قدرت دیگر نه ابزار، بلکه غایت شد. همان چیزی که نیچه آن را «اراده معطوف به قدرت» نامید، در آمریکا به صورت تاریخی متبلور شد. این اراده در همه جا حاضر است: از زبان علم و تکنولوژی گرفته تا سیاست خارجی و نظام اقتصادی. در واقع، آمریکا آخرین صورت‌بندی تمدن غرب است؛ جایی که اراده به قدرت نه فقط در رفتار سیاسی، بلکه در ساختار ذهنی جامعه، نظام آموزشی، رسانه‌ای و حتی فردی رسوخ کرده است. در چنین منطقی، هر موجودیتی که از این اراده تبعیت نکند یا در برابر آن مقاومت ورزد، نه صرفاً «دیگری»، بلکه «مزاحم» تلقی می‌شود. تمدن غرب در مرحله آمریکایی‌شده‌اش دیگر تحمل هیچ امر بیرونی را ندارد، چرا که وجود امر بیرونی یعنی امکان دیگری برای فهم و سامان هستی. اما اراده به قدرت اساساً با امکان دیگری بودن در تضاد است. از همین جاست که مسأله آمریکا با انقلاب اسلامی ایران آغاز می‌شود؛ انقلابی که نه از سر رقابت اقتصادی یا نظامی، بلکه بر پایه انکار بنیادین

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱